

## تبلیغ، نویسندگی و ادبیات

ف - خسروی

پیام‌های خداوند متعال را در خود جای داده است.

واژه «قلم» در این صحیفه‌ی جاویدان الهی دو بار به صورت مفرد و دو بار به صورت جمع به کار رفته است.

قرآن کریم به رسول معظم اسلام ﷺ چنین می‌فرماید:

«اقراء و ربك الاكرم الذي علم بالقلم علم الانسان ما لم يعلم»<sup>(۱)</sup>

«بخوان که پروردگارت (از همه) بزرگوارتر است همان کسی که به وسیله قلم تعلیم نمود. به انسان آنچه را نمی‌دانست یاد داد».

این آیات شریف به خوبی جایگاه قلم را در میدان تعلیم و تعلم بیان می‌کند و می‌توان از این موجود مقدس

در قسمت پیشین این مقاله به اهمیت «محتوا» و «قالب» در تبلیغ و محتوای ناب قرآن و عترت ﷺ اشاره کردیم و «قلم» و «بیان» را دو سلاح مهم و اصلی در میدان تبلیغ دانستیم.

شایسته است همه‌ی «مبلغان» این وارثان انبیا نسبت به آن‌ها «مهارت علمی» لازم را کسب کنند و در عرصه‌ی جهاد فرهنگی از این دو بهره‌گیرند.

اینک برآنیم تا جایگاه قلم را در حوزه‌ی تبلیغ و تبلیغ حوزه بیشتر بررسی کنیم.

قلم و نگارش در آینه‌ی آیات قرآن  
قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی  
است که اصلی‌ترین و حیاتی‌ترین

به عنوان حیاتی‌ترین ابزارها در وادی تبلیغ یاد کرد.

هنگامی که خداوند متعال به قلم و ثمره‌اش سوگند خورد، عظمت و کارایی آن بیشتر نمودار می‌گردد.

﴿وَالْقَلَمُ وَمَا يَسْطُرُونَ﴾؛<sup>(۲)</sup>  
«ان سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند.»

### قلم و نگارش در آینه احادیث

پیشوایان معصوم این مفسران واقعی کلام وحی نیز درباره‌ی قلم و نگارش سخنانی پربرار به یادگار گذاشته‌اند که برخی از آن‌ها را مرور می‌کنیم.

قال رسول الله ﷺ:

«ان اول ما خلق الله القلم فقال له اكتب فجرى بما هو كائن الى الابد».<sup>(۳)</sup>  
«به درستی که اولین چیزی که خداوند آفرید، قلم بود پس به او فرمان داد بنویس. آن‌گاه آنچه را تا ابد انجام خواهد شد، نوشت.»

قال رسول الله ﷺ:

«المؤمن اذا مات و ترك ورقة واحدة عليها علم تكون تلك الورقة يوم القيامة سترأ فيما بينه و بين النار».<sup>(۴)</sup>

هرگاه مؤمنی بمیرد و از او ورقه‌ای که بر آن علمی نگاشته شده باشد باقی بماند همان ورقه در روز قیامت سپری بین او و آتش جهنم خواهد بود.

قال رسول الله ﷺ:

«اذا كان يوم القيامة وزن مداد العلماء بدماء الشهداء فيرجح مداد العلماء بدماء الشهداء».<sup>(۵)</sup>

هنگامی که قیامت فرا رسد، قلم عالمان با خون شهیدان سنجیده شود. و قلم دانشمندان بر خون شهیدان برتری داده شود.

قال علي عليه السلام:

«كتاب الرجل ابلغ من نطقه».<sup>(۶)</sup>

نوشتار انسان از گفتارش رساتر است.

قال رسول الله ﷺ:

«من مات و ميراثه المحابر والاقلام دخل الجنة».<sup>(۷)</sup>

کسی که بمیرد و بازمانده‌اش دوات‌ها و قلم‌ها باشد داخل بهشت می‌شود.

قال الصادق عليه السلام:

«على كل جزء من اجزائك زكاة واجبة لله عزوجل ... و زكاة اليد البذل

والعطاء بما انعم الله عليك به و تحريكها  
بكتابة العلوم»<sup>(۸)</sup>

برای خداوند بر هر جزئی از اجزای  
تو زکاتی واجب است ... و زکات دست  
بخشش و بذل و سخاوت است از آنچه  
خداوند به تو ارزانی داشته و حرکت  
دادن دست در نگارش علوم.

قال رسول الله ﷺ:

«قيدوا العلم. قيل ما تقيدوه قال رسول

الله ﷺ كتابته»<sup>(۹)</sup>

پیامبر اسلام ﷺ فرمود: دانش را  
مهار کنید، گفته شد مهار علم چگونه  
است. رسول خدا ﷺ پاسخ داد: نوشتن  
آن.

«عن الامام الحسن بن علي ﷺ انه  
دعا بنيه و بني اخيه فقال: انكم صغار قوم

و يوشك ان تكونوا كبار قوم  
فتعلموا العلم فمن يستطع منكم ان  
يحفظه فليكتبه و ليضعه في بيته»<sup>(۱۰)</sup>

از امام حسن ﷺ نقل شده که  
فرزندان خود و فرزندان برادرش را  
فراخواند و [به آنان] گفت: شما کوچک  
قوم هستید و نزدیک است از بزرگان قوم  
دیگری شوید، پس دانش فرا بگیرید،  
پس هر کس از شما می تواند آن را حفظ

کند، آن را بنویسد و در خانه خود قرار  
دهد.

عن مفضل بن عمر قال:

«قال ابو عبدالله ﷺ:

اكتب و بث علمك في اخوانك»<sup>(۱۱)</sup>

مفضل بن عمر از امام صادق ﷺ نقل  
می کند که آن حضرت فرمود: «علم  
خویش را بنویس و میان برادرانت  
منتشر کن.»

آیات و روایات یاد شده هر کدام

حاوی مطالب و نکات ژرف و مهمی  
است که در جای مناسب باید بررسی  
شوند اما در نگاهی گذرا به این جملات  
گرانمایه به این حقیقت پی می بریم که  
قلم و نگارش مقامی بس بلند و قداستی  
آسمانی دارند.

حوزه قلم

در عصر ارتباطات قلم و نگارش  
جایگاهی ویژه دارند، گذشته از آن که  
حضور مستقیم این دو را در میدان  
تبلیغ و تبادل فرهنگی به روشنی  
می بینیم؛ اساس برخی از هنرهای نو  
همچون فیلم نامه و ... نیز هستند.

از قلم می توان در رشته های مختلف

نگارشی و قالبهای نوشتاری از قبیل: شعر، نثر ادبی، داستان، طنز، ترجمه، مقاله و ... بهره گرفت که هر کدام از این مقوله‌ها در پیام رسانی کارکرد خاص خود را دارند.

آنچه درباره قلم و نگارش مهم به نظر می‌رسد این است که ادبیات هر عصر با زمان دیگر تفاوت دارد.

قال علی علیه السلام:

لَا تَقْرَءُوا أَوْلَادَكُمْ عَلٰی آدَابِكُمْ فَانْهَمُوا  
مَخْلُوقُونَ لَزَمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ. (۱۲)

فرزندان خود را بر آداب خود مجبور نکنید زیرا آنان برای دوره‌ای غیر از زمان شما آفریده شده‌اند.

از این حدیث نورانی چنین استفاده می‌شود که آداب و روش‌های هر زمان با دوره‌های دیگر متفاوت است و زبان، نگارش و ادبیات که بخشی از آداب و روش‌های هر عصری است نیز چنین خواهد بود. بنابراین باید زبان و ادبیات دوره‌ای را فراگرفت که در آن زندگی می‌کنیم.

جهان در این قرن از نظر ادبی غیر از جهان در قرن نوزدهم است حتی جهان در نیم سده‌ی اخیر غیر از جهان در نیم

سده‌ی پیشین است.

وسیله‌ی ارتباط با خلق و نشر اندیشه، زبان و نوشته است و در هر عصری زبان و نوشته همان عصر نفوذ دارد و قابلیت این را دارد که وسیله‌ی تعلیم و انتقال باشد. بنابراین چگونه ممکن است حوزه فرهنگی اسلام به همه‌ی این مسائل بی‌توجه باشد و کمترین تحوّل در ادبیات مذهبی و شعب آن پدید نیآورد؟

نسل امروز را که با ادبیات جدید و زبان جدید خو گرفته چگونه می‌شود از طریق زبان و ادبیات قرون پیشین تحت تأثیر و تعلیم قرار داد و تألیفاتی به همان سبک منتشر کرد؟ همین طور که امروزه از وسائل قدیمی (مثل چراغ روغنی) استفاده نمی‌شود و اگر در جایی باشد، متروک می‌ماند و کم‌کم ناپدید می‌شود و حضور خود را در زندگی از دست می‌دهد، یک نوشته قدیمی و غیر متجانس با ایسن عصر نیز چنین است». (۱۳)

### قلم حوزه

تاریخ سرسبز تشیع نشان می‌دهد

**آداب و روش‌های هر زمان با دوره‌های دیگر متفاوت است و زبان، نگارش و ادبیات که بخشی از آداب و روش‌های هر عصری است نیز چنین خواهد بود. بنابراین باید زبان و ادبیات دوره‌ای را فراگرفت که در آن زندگی می‌کنیم**

علمیه تغییری اساسی پیدا کرد و مسئولیتی سنگین بر دوش عالمان ربانی نهاده شد.

اینک که در دهه سوم انقلاب اسلامی هستیم با جمعیتی جوان روبرویم - که نیمی از مردم کشورمان را تشکیل می‌دهند - آن‌ها از طرفی با نیازمندی‌های گوناگون فکری و معرفتی چشم به ما دوخته‌اند و از جانب دیگر دشمن به کمین آنان نشسته و با تیرهای زهرآگین شبهات، جان آنان را نشانه گرفته است. باید ببینیم تا چه حد توانسته‌ایم نیازهای روحی و اندیشه‌ای مشروع این توده‌ی عظیم را برطرف

که دانشمندان فرهیخته‌ای که در حوزه‌های علمیه از سرچشمه‌ی معارف قرآن و عترت نوشیده‌اند، همواره با تمام وجود برای حراست از مرزهای اعتقادی و فرهنگی مردم کوشیده‌اند و در برابر هجمه‌های زهرآگین دشمن پادزهری مناسب تدارک دیده‌اند و به فراخور موقعیت و شرایطی که در آن بوده‌اند از ابزارها و روش‌های مختلفی در سنگر تبلیغ بهره برده‌اند، و به ادبیات و نگارش توجهی ویژه داشته‌اند که گواه آن گنجینه‌هایی است که امروزه به عنوان سرمایه‌های علمی گذشتگان ما به شمار می‌روند.

«عالمان ما در روزگاران پیش به ویژه سده‌های چهارم تا هشتم ادبیات فارسی را نیز به خوبی فرا می‌گرفتند و زبان و عناصر آن را می‌شناختند و خود از اساتید و حجت‌های ادب فارسی بودند. آثار آنان از نمونه‌های فرهنگ اسلامی فارسی بود. مانند: ترجمه تفسیر طبری، تفسیر کشف الاسرار میبدی، تفسیر نسفی و ...» (۱۴)

با پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی در ایران کارکرد حوزه‌های

کنیم و این سرمایه‌های با ارزش را در مسیر حق قرار دهیم.

«آیا می‌توانید از یک رمان بزرگ نام

ببرید که یک نویسنده‌ی مسلمان

انقلابی در قالب آن، مجموعه‌ی کلی

انقلاب را بیان کرده باشد؟ آیا می‌توانید

در آثار هنری و شعری، آن روح پر

التهاب و گرم و روشن انقلاب اسلامی را

که از پانزدهم خرداد شروع شد و ریشه

در تاریخ و جهاد و شهادت اسلامی

داشت و در بهمن پنجاه و هفت به ثمر

نشست ببینید؟ یا نیست یا کمتر هست.

چه خوب بود که اگر روزی گفته می‌شد،

مجموعه‌ای از آثار مربوط به «ادبیات

انقلاب» را در همه‌ی زمینه‌ها به نمایش

بگذارید، دستی پر داشتیم عرضه را و

نمایش را، ولی ... بگذار تا من بگذرم از

این سخنها» (۱۵)

رهبر فرزانه انقلاب این دیده‌بان

هشیار در هر فرصتی حوزه‌های علمیه

را به قالب‌های نو تبلیغی و بهره‌گرفتن از

هنر و ادبیات فراخوانده‌اند. ایشان که در

ادبیات و مطالعه‌ی آثار بزرگان ید

طولایی دارند می‌فرمایند:

«در مقوله‌ی قصه و رمان، دستمان

خالی و واقعاً در داخل کشور مشابه

کارهای بزرگی که در کشورهای دیگر و

میان ملت‌ها وجود دارد، ما اصلاً

نداریم» (۱۶)

«انقلاب در قالب هنر و ادبیات

آسانتر و صادقانه‌تر از هر قالب دیگر

قابل صدور است» (۱۷)

این خلاء بزرگی است که ما باید برای

آن چاره‌ای بیندیشیم و جدی‌تر از

گذشته علاوه بر تدارک کاستی‌ها به

گستره فعالیت‌های خود در وادی ادبیات

و نگارش بپردازیم.

حوزه‌های علمیه که از جدی‌ترین

کانون‌های بحث و تحقیق و کنکاش

علمی به شمار می‌روند و هر موضوعی را

محققانه موشکافی می‌کنند، نباید به

گونه‌ای جهت‌گیری کنند که متعلمان

علوم و معارف دینی ناخواسته از زبان

روزمره و ادبیات عصر خویش فاصله

بگیرند. در برنامه‌های آموزشی باید به

گونه‌ای منطقی، کسب مهارت‌های

نگارش و فراگیری فنون ادبیات نهادینه

شود تا همپای رشد علمی، طلاب به

مهارت‌های لازم نیز دست یابند.

متون درسی حوزه و کتب حاشیه‌ای

آن به گونه‌ای است که ناخودآگاه انسان را از آنچه در دنیای هنرهای نگارشی اتفاق می‌افتد، غافل می‌کند و ذوقیات دوران قبل را نیز کم‌کم از خاطرها محو می‌کند و اگر شخصی خود ذوق و زمینه‌ای برای پی‌گیری مقوله‌های ادبی نداشته باشد، برای همیشه از نسلی که با آن زندگی می‌کند، فاصله می‌گیرد. این خود باعث می‌شود که مبلغ به تبلیغ مؤثر دست نیابد و ارتباط لازم را با مخاطبان خود که عمدتاً از نسل جوانند، برقرار نکند.

«یکی از فلسفه‌های عمده‌ای که عالمان بزرگ در دوران قدیم به خواندن آثار ادبی و شعر و شناختن آن می‌پرداخته‌اند، همین بوده است؛ یعنی، تلطیف ذوق و توسعه افق دید.

سید مرتضی، پیشوای بزرگ شیعه در نیمه اول سده‌ی پنجم هجری، خود مجالس ادبی و نقد شعر داشت. بسیاری از عالمان درباره‌ی شعر و ادبیات کارهای عمده کرده‌اند با این که خود فقیه، محدث، مفسر و امثال آن بوده‌اند» (۱۸)

«در ایران برای هر عالم دینی و مبلغ

مذهبی دانستن زبان و ادبیات نیز ضروری است «و ما ارسلنا من رسول الا بلسان قومه» (۱۹) رسول تبلیغ و تعلیم نیز باید زبان قوم را و ادبیات را بداند به ویژه نویسندگان و مؤلفان» (۲۰)

اگر بر این باوریم که «زبان» و «ادبیات» همواره در حال تطور است و هر نسلی ادبیات خاصّ زمان خود را می‌طلبد و جوانان و نوجوانان نیز تشنه آثار هنریند و عطش خویش را با خواندن شعر، نثر ادبی، رمان و ... فرو می‌نشانند و آن‌ها را به خاطر می‌سپارند و گستره کارهای تبلیغی قدرت انتخاب آنان را به صورت شگفت آوری بالا برده است، برای ارائه‌ی هنرمندانه‌ی «محتوای نابی» که در اختیار داریم، چه کرده‌ایم؟

آثار قلمی ما گذشته از آن که به حد کافی نیست، به دلیل نداشتن قالب‌های جذاب هنری مناسب با عصری که در آن زندگی می‌کنیم، از جذابیت‌های روز نیز بی‌بهره است.

#### راهکارهای عملی

با توجه به آنچه یاد کردیم، به نظر می‌رسد در برنامه‌های آموزشی حوزه‌ی

علمیه، مسئله‌ی نویسندگی و آشنایی با ادبیات روز باید گنجانده شود تا در همان سال‌های اول افرادی که دارای ذوق، توان و استعداد نگارش هستند، در برنامه‌های منظم و مستمر به این مهم بپردازند و با برگزاری جلسات نقد و نظر در طول دوران تحصیل، روز به روز در این وادی توانمندتر شوند.

اگر چنین برنامه منظم و مستمری به هر دلیلی وجود ندارد و کسانی هستند که در خود زمینه‌های نویسندگی را احساس می‌کنند و مشتاقند در این عرصه گام بردارند - به ویژه آنان که خوب انشا می‌نوشته‌اند - باید برای خود برنامه‌ریزی کنند و نگذارند ذوقیانشان خشکیده شود.

از آن جا که نویسندگی هم مانند سایر فنون و مهارت‌های دیگر پیش از آن که به مسائل نظری نیاز داشته باشد، کار و تمرین لازم دارد و باید برای کسب این مهارت، لوازم و شرایط مناسب را فراهم آوریم، به نکاتی کاربردی در این باره اشاره می‌کنیم:

الف - خواندن:

نویسنده باید لحظه‌ای از خواندن باز

نایستد. اگر او به الفاظ و تعبیری که به کار می‌برد، هر روز نیفزاید و به همان اطلاعاتی که داشته اکتفا کند، دچار روزمرگی می‌شود و آثار قلمی او جذابیت و شیوایی لازم را نخواهد داشت. مطالعه کردن آثار قوی و زیبای ادبی دایره واژگانی نویسنده را وسعت می‌بخشد و او را در خلق تعبیر در ترکیب‌های هنرمندانه ادبی توانمند می‌کند.

شایسته است در ابتدای کار واژه‌ها و کلمات و جملات شیوارا یادداشت کنیم و هنگام نگارش با الهام از آن‌ها ترکیب‌ها و جملات نو بیافرینیم.

ب - شنیدن:

نویسنده، علاوه بر خواندن آثار خوب ادبی، شایسته است گوش خود را با سخنان و واژه‌های دلنشین و آهنگین نوازش دهد تا با جملات و کلمات خوش آهنگ انس گیرد و بتواند آن‌ها را در آثار خود به کار برد.

شنیدن برنامه‌های ادبی صدا و سیما و سخنرانی‌های جذاب و قوی برای رسیدن به این هدف راه مناسبی است. نگارنده برای آن که بتواند از



موسیقی کلمات و ترکیب‌های نوشته خود بهتر آگاه شود، خوب است آنچه را نوشته با صدای بلند برای خود بخواند یا کسی نوشته او را برایش بخواند. این کار باعث می‌شود اشکالات دستوری و ادبی بیشتر رخ بنمایند. و کلمات خشن و واژه‌ها و ترکیب‌هایی که تنافر ایجاد می‌کنند، معلوم شود.

ج - نوشتن:

آنچه یاد کردیم، مقدمه‌ای بود برای کار نگارش و ثمره دو نکته گذشته را باید هنگام نویسندگی برداشت کنیم.

نوشتن و تمرین رکن اصلی برای نویسندگی شدن است. چه بسیاری از کسانی که دستور زبان و ادبیات را خوب می‌دانند و چه بسا تدریس هم می‌کنند

اما خود، از خلق کوچک‌ترین جمله ادبی و نوشتن کمترین مطلب عاجزند.

چرا که به نوشتن توجه کافی نداشته‌اند.

کسانی که در ابتدای راه نویسندگی هستند، وقتی قلم به دست می‌گیرند و می‌خواهند درباره‌ی موضوعی بنویسند، به راحتی و روانی نمی‌توانند ما فی الضمیر خود را روی کاغذ منعکس

کنند اما اگر مدتی با تلاش و کوشش به کار نگارش همت گمارند و انگیزه‌ای قوی داشته باشند و تلاش کنند و با ارائه‌ی کارهای خود به دیگران آن‌ها را در کوره نقادی پخته کنند، مدت چندانی نمی‌گذرد که قلم آنان به کار می‌افتد و از جمود رهایی می‌یابد. آنگاه می‌توانند به آسانی و روانی بنویسند.

حالت این گروه همچون افراد ورزشکاری است که در ابتدای کار بدنشان انعطاف لازم را ندارد و گرفتگی و جمود در اعضای خود احساس می‌کنند اما پس از مدتی تمرین به آسانی می‌توانند حرکاتی را که قبلاً به انجام آن قادر نبودند، انجام دهند.

### گام نخست:

نویسنده قبل از آن که قلم به دست بگیرد، باید چند سؤال اساسی در ذهن خود ایجاد کند و پاسخ‌های مناسب آن را بیابد تا بتواند کاری شایسته ارائه کند. آن‌ها عبارتند از:

یکم: چه را بنویسم؟ با این سؤال او موضوع را به خوبی می‌شناسد و قلمرو آن را معلوم می‌کند.

۷- همان، ص ۲۶۸ به نقل از المستطرف فی کل فن مستطرف، ص ۴۷.

۸- بحار الانوار، ج ۹۶، ص ۷.

۹- میزان الحکمه، ج ۸، ص ۳۲۴.

۱۰- همان.

۱۱- همان، ص ۳۲۱.

۱۲- شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید، ج ۲۰، ص ۲۶۷.

۱۳- ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، ص ۱۳.

۱۴- همان، ص ۱۸.

۱۵- با اصحاب قلم، جواد محدثی، ص ۱۸.

۱۶- پیام به دومین کنگره شعر و ادب دانشجویان سراسر کشور، روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۴/۹/۲۸.

۱۷- دیدار با اعضاء کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۳۸.

۱۸- ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، ص ۹.

۱۹- ابراهیم / ۴.

۲۰- ادبیات و تعهد در اسلام، محمدرضا حکیمی، ص ۹.

۲۱- برای آگاهی بیشتر به کتاب بر ساحل سخن نوشته سیدابوالقاسم حسینی رجوع کنید.

دوم: چرا بنویسم؟ با این سؤال دلیل نگارش خود را روشن می‌کند و انگیزه خود را برای ادامه کار تقویت می‌نماید.

سوم: برای که بنویسم؟ با این سؤال او مخاطب خود را معین می‌کند تا متناسب با روحیات و نیازهای او بنگارد.

چهارم: چگونه بنویسم؟ با این سؤال نویسنده چارچوب نوشته را معلوم می‌کند و تصمیم می‌گیرد موضوع مورد نظر خود را در چه قالبی ارائه کند. شعر، داستان، مقاله، طنز و یا ...

پنجم: در چه وضعیتی می‌نویسم؟ نویسنده با این سؤال به موقعیتی که در آن قرار دارد، توجه می‌کند و مصالح و شرایط موجود جامعه را در نظر می‌گیرد. (۲۱) ادامه دارد...

#### پی‌نوشت‌ها:

۱- علق/ ۳- ۵.

۲- قلم/ ۱.

۳- بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۷۴.

۴- همان، ج ۲، ص ۱۴۴.

۵- همان، ج ۲، ص ۱۶.

۶- بر ساحل سخن، سید ابوالقاسم حسینی، ص ۲۶۹ به نقل از غرر و درر.